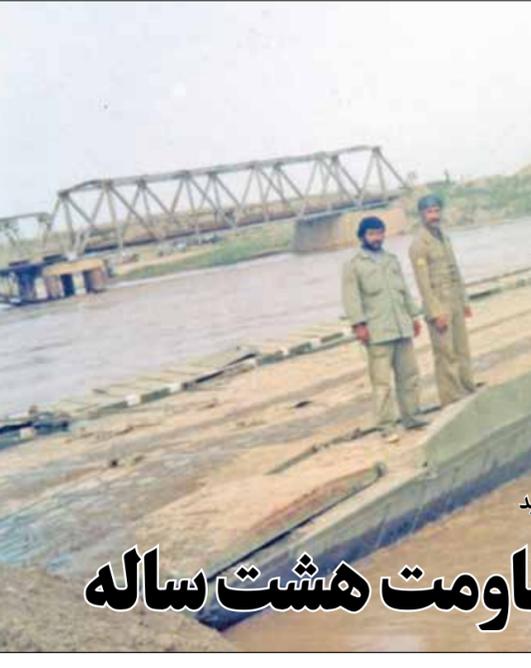


اسماعیل علوی دبیر گروه پایداری

موفقیت نیروها در عملیاتی مروهن تلاش یگان‌های پشتیبانی بوده و بدون حضور آنان انجام هیچ عملیاتی ممکن نیست.در این میان نقش نیروهای پشتیبانی در جنگ با ایادی بیگانه در مناطق کوهستانی شمالغرب کشور رورویایی با دشمنی که به شیوه پارتیزانی و ابتدایی می‌جنگید، از اهمیت بسیار حیاتی برخوردار بود. زیرا آنان بسیاری از اوقات مجبور بودند قبل از تأمین امنیت، در شرایط پیچیده منطقه وارد عمل شده و به کار آماده‌سازی و خدمات‌رسانی به مدافعان تمامیت ارضی کشور بپردازند. با این‌همه فعالیت یگان‌های پشتیبانی کننده در جنگ با نفرات احزاب تجزیه طلب استان‌های کردستان و آذربایجان غربی که موضع معلوم و آشکاری نداشته و سره‌ریح و گردنه‌ای ممکن بود در کمین آنان باشند، مغفول مانده و از این جهادگران بی‌سنگر کمتر یاد شده است. از این رو به سراغ امیر سرتیپ مسعود بختیاری از فرماندهان اصلی ارتش در دوران جنگ و آشوبگری تجزیه طلبان رفتیم تا از خدمات یگان‌های پشتیبانی ذکر ی به میان آورده و گامی اگر چه کوتاه در معرفی خدمات آنان برداشته باشیم.

■ **نقش یگان‌های مهندسی و پشتیبانی در دفع خطر دشمنان تمامیت ارضی کشور در جریان نآرامی‌های شمالغرب کشور چه بود؟**

حضور یگان‌های مهندسی نیروی زمینی ارتش در شمالغرب کشور با فداکاری و زحمات شبانه روزی پرسنل ارتش در سخت‌ترین شرایط محیطی و آب و هوایی و با وجود سرما و یرف و یخبندان همراه بود. این در وضعیتی بود که دشمن به شیوه جنگ پارتیزانی با ما می‌جنگید و موضع ثابت



سایت ارتش

شریکان گمنام در مقاومت هشت ساله

و میهن دوستی نسبت به مأموریت‌های خود مبنی بر بازگشایی مسیر عبور نیروها، عملیات راه سازی، پل سازی، ساختن قرارگاه و… اقدام کرده و بموقع انجام وظیفه می‌کردند.

■ **می توانید با ذکر مورد به‌صورت جزئی تر در این‌باره توضیح دهید؟**
دشمن به منظور گرفتن تلفات و ممانعت در تأمین امنیت مناطقی از استان اقدام به ایجاد موانع تأخیری با کار گذاشتن مین و تله انفجاری می‌کرد.نیروهای پشتیبانی در وهله اول ضمن شناسایی این موارد به خنثی‌سازی بمب و مین‌های کار گذاشته پرداخته، سپس با احداث خاکریز و راه‌های مواصلاتی شبکه ارتباطی امنی برای نیروهای مدافع با قرارگاه مرکزی ایجاد می‌کردند. این کار مستلزم فداکاری بسیار بود زیرا زیر رگبار گلوله‌هایی انجام می‌شد که معلوم نبود از کدام طرف شلیک می‌شوند.

■ **علاوه بر اینها که اشاره کردید نیروهای پشتیبانی به موارد دیگری نیز اشتغال داشتند؟**
بله نیروهای پشتیبانی مسئول عبور نیروها از عرض رودخانه‌های دائمی با فصلی بودند.همچنین اگر جایی دچار سیل بردگی می‌شد، نیروهای پشتیبانی بایستی بلافاصله نسبت به ترمیم آن پل یا در صورت تخریب

امن میان فرودگاه و پادگان در طول جنگ کردستان جهت تردد و تدارک نیروها به دور از دید مهاجمان ایجاد شد.

■ **آیا این اقدامات به تأمین امنیت شهرمانیز تعمیم یافت؟**

بلافاصله بعد از این اقدام، مقدمات بازگشایی محورهای سنندج به کامیاران، مریوان، دیواندره، سقز، پانه و دهگلان آغاز شد و با ایجاد ۵۲ پایگاه جهت برقراری امنیت شهرهای دو استان آذربایجان غربی و کردستان، آمد و شد روزانه میان خطوط مواصلاتی به‌وجود آمده برقرار شد.

■ **عملکرد یگان‌های پشتیبانی شامل موارد دیگری هم بود؟**

بله. اقدامات و عملکردی شامل: برآورد نیازهای مهندسی برای تصرف پایگاه‌های گروهک‌های وابسته به اجانب از طریق اعزام تیم‌های متخصص با تجهیزات لازم جهت کمک به یگان‌ها در تأمین اهداف، برآورد، تهیه و ارسال اقلام مورد نیاز گردان‌های عمل کننده در صحنه جنگ، اعزام تیم‌های متخصص خنثی‌سازی بمب‌های دست ساز و انواع مین، ارسال ماشین آلات سنگین به منظور ایجاد خاکریز و سنگر و راه و… علاوه بر این همه واحدهای پشتیبانی در بعد اجتماعی نیز عملکرد درخشانی داشتند. از جمله آنها بازگرداندن امنیت و آرامش به مردم شهرهای دو استان مرزی و استان‌های همجوار بود. دشمن با ایجاد ناامنی از جمله ناامنی جاده‌ای در زندگی عادی مردم اختلال به‌وجود آورد بود. نفرات از حوزب عمده جدایی طلب و سایر احزاب کم جمعیت فعال در قلمرو برای رفت و آمد مردم شهرها مشکل ایجاد کرده و با کار گذاشتن مین با بمب‌های کنار جاده‌ای از مردم سلب امنیت کرده بودند و مردم جهت کارهای یومیه خود قادر به جابه جایی نبودند. جدایی طلبان وقاحت را به آنجا رسانده بودند که بعضاً جلوی ماشین‌ها را گرفته و اقدام به زورگیری می‌کردند. نیروهای پشتیبانی با اقدامات کمک‌رسانی مهندسی و ایجاد ایست و بازرسی امنیت بین جاده‌ای تردد مردم را در روزتأمین و کم کم آن را شبانه‌روزی کردند.

■ **یگان‌های پشتیبانی چه کمبودها و محدودیت‌هایی داشتند؟**

مهم‌ترین محدودیت یگان‌های پشتیبانی در آن مقطع کمبود وسایل ترابری سازمانی بود که گاهی موجب کند شدن اقدامات آنان می‌شد. با توجه به کوهستانی بودن منطقه و مواجهه با جنگی غیر متعارف نبود برخی اقدامات ترابری و

امکانات جهت ساختن راه‌های مواصلاتی امن در حداقل زمان، محسوس بود. این محدودیت‌ها و کمبودها خواه ناخواه بر عملکرد بهتر واحدهای پشتیبانی تأثیر داشت. با وجود این بر اثر روحیه وانگیزه بالا از حداقل‌ها، حداکثر استفاده شده و با ابتکارات نفرات در صحنه گاهی کمبودها و نبودها جبران می‌شد.

■ **یگان‌های پشتیبانی در آزادسازی مهاباد هم نقش داشتند؟**

در عملیات آزادسازی شهر و پادگان مهاباد یک واحد از یگان پشتیبانی نیروهای عمل‌کننده را همراهی کردند و اتفاقاً یکی از مقاطع درخشان عملکرد مهاباد جبران می‌شد. آنان در این عملیات شرکت داشتند. آنان ضمن انجام مأموریت‌های محوله به بازسازی خرابی‌های مراکز شهری و راه‌اندازی آنها جهت رفع نیازهای مردم مبادرت کردند که در اعتمادسازی اهالی مهاباد تأثیر مثبتی داشته و موجب طرد عناصر وابسته پشتیبانی با احداث پایگاه‌های تأمینی در جاده‌ها اراده نظام را برابادی بیگانه تحمیل و اداره امور منطقه را برای مسئولان تسهیل کرد. اینگونه اقدامات چون از جنبه کیفی برخوردارند قابل اندازه‌گیری با اشل‌های مادی و آمار نیستند و به‌طور طبیعی نادیده گرفته می‌شوند.

■ **اولویت‌های یگان‌های مهندسی چه مواردی بود؟**

چون منطقه سردسیر و دارای فصل سرد طولانی است گروهک‌های جدایی طلب فرصت داشتند با استفاده از این عامل ضرباتی را به نیروهای خودی وارد کنند. از این‌رو بیشترین شهادی نیروهای عمل‌کننده در منطقه بر اثر انفجارهای مین جاده‌ای درآیام برف و یخبندان یا عملیات‌های پارتیزانی در این فصل تقدیم شده است. این موضوع نیروهای پشتیبان را بر آن داشت تا جهت مقابله با تله‌های انفجاری و عملیات‌های ایذایی در این فصل به آن اولویت دهند و در طول شبانه روز همه راه‌ها و گردنه‌ها را باز نگه دارند تا آسیب‌هایی از این دست به حداقل برسد.دشورای این اقدام برای کسانی که دست‌اندرکارند معلوم است. برای تحقق این مطلوب نیروهای پشتیبانی شب و روز نمی‌شناختند و در سخت‌ترین شرایط در میانه میدان مشغول کار و تلاش برزحمت بودند.

■ **از آنجایی که برخی مأموریت‌های یگان‌های پشتیبانی با جهاد سازندگی همسویی دارد این دو نهاد در عمل چه**

نگاهی به تازه‌های نشر ادبیات پایداری

«گمشده مجنون» و «رفیق» در بازار کتاب



فرایبر بود و علت اصلی محبوبیتش اخلاق خوب و گمنام بودنش بود.

در بخشی از کتاب «گمشده مجنون» در بازخوانی خاطره خواهر از شهادت برادرش در عملیات خیبر در جزیره مجنون می‌خوانیم:«ببخشید برادر محمدرضا کارور را می‌شناسی؟ مجروح رنگ از چهره‌اش می‌برد، آب دهانش را قورت می‌دهد و می‌گوید:«همان فرمانده گردان مالک؟» خواهرش با تعجب می‌پرسد: «فرمانده؟!» محمدرضا هیچ وقت نگذاشته بود کسی بفهمد که مسئولیتش در چه جبهه بود.» در عملیات خیبر وقتی محمدرضا به شهادت می‌رسد، خیبر شهادتش را طی تماس تلفنی خود حاج ابراهیم همت وسط عملیات به مادر محمدرضا می‌دهد

آخرین صحبتش با مادر محمدرضا این بوده:«ای پیکر محمدرضا را پیدا نکنم و به عقب نیاورم، خودم هم بر نمی‌گردم.» اما چند روز بعد از این تماس تلفنی خود حاج ابراهیم همت در عملیات خیبر شهید می‌شود.

بعد از گذشت سال‌ها هنوز زیکر شهید محمدرضا کارور همچنان در جزیره مجنون جا مانده است اما خاطرات روزگارش در «گمشده مجنون» در اختیار علاقه‌مندان به حوزه دفاع مقدس قرار گرفته است.

■ **«رفیق» «روایت‌کننده زندگی شهید خلیل حسن بیگی**

کتاب «رفیق» نیز که روایت زندگی شهید خلیل حسن بیگی از فرماندهان یزدی دفاع مقدس است به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. باقری در این زندگینامه داستانی که نخستین اثرش در حوزه ادبیات پایداری است، بخشی از سبک زندگی، شخصیت، منش و مجاهدت‌های شهید را در دوران دفاع مقدس به روایتگری همسر، خانواده و هم‌زمانش آورده است. نویسنده برای جمع‌آوری اطلاعات، انجام مصاحبه‌ها، گردآوری خاطرات و تدوین این اثر، پنج ماه وقت صرف کرد تا تمامی خاطرات را به‌صورت داستانی پردازش کند. باقری در کتاب رفیق، سردار شهید خلیل حسن بیگی را این‌طور معرفی کرده است: «شهید حسن بیگی در سال ۱۳۳۳ در یزد به دنیا آمد. وی پیش از انقلاب به صف مبارزین با طاغوت پیوست و تا آخرین لحظه در خط مقدم دفاع از میهن و ارزش‌های انقلاب اسلامی حضور داشت. او سخنرانی توانا بود و اطلاعات وسیعی درباره جبهه و جنگ، بویژه جبهه‌های جنوب و غرب داشت و به همین دلیل رزمنده‌ها و دوستانش به او لقب «کتاب‌کهنه جنگ» داده بودند. جانشین ستاد تیپ مستقل ۱۸ الغدیر، رئیس ستاد تیپ یکم لشکر نجف اشرف و فرمانده لجستیک تیپ الغدیر از جمله مسئولیت‌های او در دوران دفاع مقدس بود. سرانجام این سردار فداکار به همراه جمعی از هم‌زمانش در روز ۲۵ دی‌ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه در ۳۲ سالگی به فیض شهادت نائل آمد و پیکر مطهرش در گلزار شهدای خلدیرین به خاک سپرده شد.»



جنگ تحمیلی ۸ ساله رژیم بعث علیه ایران، بدون شک یکی از مهم‌ترین اتفاقات تاریخ معاصر ماست. طی چهار دهه گذشته از پایان جنگ در عرصه ادبیات پایداری کتاب‌های خوبی منتشر شد که یا به اتفاقات و عملیات‌ها پرداخته‌اند یا شخصیت‌های مؤثر در این دوران را معرفی کرده‌اند. نویسنندگان به سراغ رزمندگان و خانواده شهدا رفتند و روایت‌هایشان را شنیدند و با قلمی شیوا بر صفحه جاری کردند. خوانندگان آثار این حوزه هم پس از خواندن تجربه‌های خاطره‌نگاری، بی‌برددند که ۸ سال دفاع مقدس ناگفته‌های بسیاری دارد و ظرفیت بالایی برای بیانش موجود است. حال اس از چند سال آزمون و خطا این روزها قطار ادبیات دفاع مقدس روی ریل خود قرار گرفته و با تولید آثار خوب نوانسته توجه مخاطبان زیادی را جلب کند. کتاب‌های «گمشده مجنون» نوشته مریم عباسی جعفری و «رفیق» نوشته الهام باقری از تازه‌ترین آثار ادبیات‌پیداری هستند که روانه بازار کتاب شده‌اند. در ادامه مرور کوتاهی داریم بر این دو اثر که هر کدام به معرفی شخصیتی از دوران دفاع مقدس پرداخته‌اند.

■ **«گمشده مجنون» «زندگینامه فرمانده گمنام لشکر ۲۷ رسول‌الله**

کتاب «گمشده مجنون»، اثر نویسنده نوقلم مریم عباسی جعفری از سوی انتشارات روایت ۲۷ بعثت روانه بازار کتاب شده است. کتابی که زندگی سردار شهید محمدرضا کارور از فرماندهان لشکر ۲۷ رسول‌الله در هشت سال دفاع مقدس را از لحظه تولدش تا لحظه‌های حضورش در جمع باصفا و دوست‌داشتنی رزمندگان روایت می‌کند.

نویسنده کتاب سال ۱۳۹۷ بعد از مطالعه مصاحبه‌هایی از خانواده شهید که در اختیارش قرار گرفته بود تصمیم می‌گیرد تا زندگینامه او را جمع‌آوری کند و راجع به او کتابی بنویسد. او در نهایت موفق می‌شود از میان مصاحبه‌هایی که با هم‌رزمان و خانواده شهید انجام می‌دهد زندگی شهید کارور را در پنج فصل به‌صورت مستند داستانی به رشته تحریر درآورد. عباسی در فصل اول به تولد کودکی محمدرضا، در فصل دوم به مبارزات انقلابی و فعالیت‌های فرهنگی او، در فصل سوم به درخشش او در جنگ و دفاع مقدس، در فصل چهارم به ارتباطش با دوستانش در عملیات خیبر و در فصل آخر به ماجرای شهادت و پیکر او که برای همیشه میهمان جزیره مجنون شد، پرداخته است.

عباسی جعفری شخصیت شهید کارور در «گمشده مجنون» را این‌طور روایت کرده است: «محمدرضا به تشخیص حاج ابراهیم همت در جایگاه فرماندهی گردان مقدار و مالک قرار گرفت. بدون اینکه کوچک‌ترین نام و نشانی از خودش بر جای بگذارد در عرصه مدیریتی به بهترین وجه ممکن به وظایفش عمل می‌کرد. او هرگز از موقعیت اجتماعی‌اش برای اسم و رسم و منفعت شخصی استفاده نکرد. حتی خانواده و اطرافیانش از مسئولیتش اطلاع نداشتند. شجاعت و بی‌باکی محمدرضا کارور در برابر دشمنان یکی دیگر از علت‌های محبوبیت او در بین بسیجیان و رزمندگان بود. محمدرضا به‌دور از هرگونه شعارزنگی، خام‌حور و مخلص بود. اخلاص و صداقتش زبانزد بود. روحیه ایثار و فداکاری داشت و قلبش مالمال از عشق و محبت به دوستان و آشنایان وضعیفان و درماندگان بود. مطهرش در گلزار شهدای کارور در بین دوستان و هم‌زمانش، یک محبوبیت

در ادبیات پایداری و دفاع مقدس همواره

ناگفته‌های بسیاری وجود دارد. دفاع مقدس سرشار از قصه‌هایی است که نانوشته باقی مانده است. آنقدر که سالیان سال می‌توان آنها را روایت کرد و تکراری نشود. مرتضی سرهنگی سال هاست که در این حوزه قلم می‌زند و تمام توانش را در این راه خرج می‌کند تا از زوایای پنهان وقایع بنویسد. دغدغه او نوشتن از واقعیت‌هایی است که زیر آوار جنگ پنهان مانده است. او به تازگی کتاب «تابستان ۱۳۶۹» را به چاپ رسانده است. این کتاب راوی ۴۰ خاطره از لحظه اسارت چهل رزمنده است. سرهنگی در مورد نگارش این کتاب گفته است که همه اسرای ما بدون استثنا کابوس می‌بینند اما به روی خودشان نمی‌آورند و آن را بیان نمی‌کنند. ما علیه فراموشی می‌نویسیم و اینها نباید فراموش شود.

ما باید برای این کابوس‌ها کاری کنیم و من سعی کردم گامی در حوزه ادبیات اسارت بردارم. یکی از افرادی که در تهیه و تولد «تابستان ۱۳۶۹» به سرهنگی کمک کرد محبوبه عزیزی است. عزیزی، کتابدار کتابخانه تخصصی جنگ و دستیار تحقیق کتاب «تابستان ۱۳۶۹» در بخش وگکو با «ایران»، در مورد این کتاب با اشاره به اینکه ایده این اثر چندسالی در ذهن مرتضی سرهنگی بوده است در خصوص روند تولید این اثر گفت: ایده این کتاب چند سالی بود که در ذهن آقای سرهنگی زندگی کرده بود. تا اینکه نیمه دوم سال ۱۳۹۸ این کار شروع شد و بین کارهای دیگرشان به این پروژه هم می‌پرداختیم. به این منظور، تقریباً همه ۳۶۰ عنوان کتاب بخش اسارت در سال ۱۳۹۸ به قصد یافتن لحظه اسارت مطالعه شد و به ۱۵۰ خاطره رسیدیم که این تعداد هم در نهایت به ۴۰ خاطره که در کتاب آمده است محدود شد.

■ **سسواس در انتخاب عنوان خاطره‌ها برای جذابیت بیشتر**

عزیزی ضمن ایراز خرسندی از تجربه همکاری با سرهنگی عنوان کرد: چیزی که تجربه همکاری با آقای سرهنگی در این پروژه را برایم به تجربه‌ای لذت‌بخش تبدیل



محبوبه عزیزی نفر اول از راست در مراسم رونمایی از کتاب «تابستان ۱۳۶۹»

تابستان ۱۳۶۹ که دارای خاطراتی برگزیده و ناب، با پایان باز هستند، به مخاطبان کتاب چه داستانی‌نویس، فیلمنامه‌نویس، محقق و هنرمند این امکان را می‌دهند که با خلاقیت و خیال‌پردازی، آنها را به اشکال متنوع روایت در تولیدات متنوع تبدیل کنند و در نهایت این مجموعه‌سازی‌ها و به‌گزین کردن‌ها، بسته‌های مطالعاتی آسان‌خوانی هستند که مروج کتابخوانی‌اند. با مطالعه این ۴۰ خاطره، اگر مخاطب مشتاق شود، دست‌کم، به پنج کتاب از چهل کتاب اصلی، در نهایت این مجموعه‌سازی‌ها و به‌گزین مراجعه کند. این کتاب به مقصود خود رسیده است.

■ **م تفاوت بودن شیوه و موقعیت رزمندگان در اسارت خاطرات را از هم متمایز کرد**

او همچنین از ویژگی‌های این کتاب سخن گفت و تصریح کرد: کتاب دربردارنده لحظه قطع شدن رشته زندگی معمول و متعارف سرباز است و همچنین قابل گرفتن لحظه‌ای که زندگی در اوقتی نامعلوم برای او آغاز می‌شود. متفاوت بودن شیوه‌ها و موقعیت‌های به اسارت در آمدن رزمنده‌ها یکی از ویژگی‌های این کتابی است که آن را زیبا، جذاب و متفاوت باشد؛ طوری که توجه لحظه‌ای از اسارت را شکار می‌کنیم، آن لحظه هم از یک آغازبندی و پایان‌بندی مناسبی برخوردار باشد و در عین حال، پیامی را به مخاطب خودش برساند. این فقط یک ادعا نیست عنوانی که ایشان برای هر خاطره انتخاب می‌کردند، بخش مهمی از بحث و گفت‌وگوهای ما بود. ایشان در نظر داشتند عنوانی انتخاب کنند که کوتاه، زیبا، جذاب و متفاوت باشد؛ طوری که توجه مخاطب را به خودش جلب کند. در این مسیر گاه پیش می‌آمد که متن خاطرات کمک کند عنوان خوبی انتخاب و برجسته شود.

وی ادامه داد: کتاب‌هایی مثل کتاب